

گرامیداشت ۱۶ آذر روز جهانی دانشجو

چهار ماه از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌گذشت، آسمان ایران آکنده از اندوه و درد بود و زمین آبهستن آتشفشان قیام ملت. مصدق رهبرمحبوب ملت در بیدادگاه نظامی سلطنت آباد محاکمه می‌شد و سلطه سیاه استبداد داخلی می‌رفت تا با تجدید رابطه با استعمار پیر انگلیس و سفر نیکسون معاون ریاست جمهوری آمریکا به ایران، از طریق استیلا خارجی تحکیم یابد. اما در آن «مزارآباد بی‌تپش» دلهای آزاده مردانی در کوی و بازار و دانشگاه هنوز می‌تپید و آرامش شاه را آشفته می‌کرد. نظام استبداد که از تدارک دانشجویان برای تظاهرات علیه سفر نیکسون مطلع شده بود برای نخستین بار حرمت محیط علم و ادب را شکست و برای گوشمالی دادن دانشجویان نیروهای کماندویی ویژه خود را در دانشگاه تهران مستقر ساخت. اینچنین بود که محیط دانشگاه را اعتراضات وسیعی فرا گرفت و به دنبال دو روز تظاهرات در دانشکده‌های مختلف، دانشکده فنی یکپارچه خشم و خروش شد و دیری نپایید که فریادهای چونان شعله‌های شرز به فراگیر گشت. سرنیزه‌داران نظام زور که وظیفه داشتند امنیت سفر ارباب را تأمین نمایند با هجوم به دانشکده فنی دانشجویان را به زیر ضربات سرنیزه گرفتند و در این حمله خون پاک سه دانشجو: شریعت رضوی، قندچی و بزرگ‌نیا بر زمین ریخت و این سه تن نخستین شهدایی گشتند که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ در سنگر آزادی و آگاهی در خون خود غلتیدند. این جوانمردان به قول دکتر شریعتی:

«نخواستند که همچون دیگران کوپن نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخور خویش فرو برند. از آن سال چندین دوره آمدند، کارشان را تمام کردند و رفتند. اما این سه تن ماندند تا هر که را می‌آید بیاموزند، و هر که را می‌رود سفارش کنند. آنها هرگز نمی‌روند، همیشه خواهند ماند. آنها شهیدند. این سه قطره خون که بر چهره دانشگاه تازه و گرم است» (دکتر علی شریعتی، با مخاطبهای آشنا)

و هم از آن سال است که شانزدهم آذر به عنوان روز مقاومت دانشجو و دانشگاه، در برابر استبداد و اختناق، نه تنها در تاریخ مبارزات میهن ما، بلکه به درخواست «سازمان بین‌المللی دانشجویان» به عنوان روز جهانی دانشجو نامگذاری شد.

جملات فوق بخشی از اطلاعیه دانشجویان نهضت آزادی ایران است که در شانزدهم آذرماه ۱۳۶۷ خطاب به دانشجویان و دانشگاهیان نگاشته و منتشر شد.

در آن سالها وضعیت عمومی دانشگاهها به دلیل بسته بودن محیط سیاسی دانشگاهها و فقدان آزادی ابراز عقیده و عدم امکان بیان انتقادات، بسیار رقت‌انگیز و ملال‌آور بود. دانشجویان و دانشگاهیان نه تنها از رسالت تاریخی خود که همانا پیشگامی در مبارزه برای آزادی و حاکمیت ملت بود، دور افتاده بودند؛ بلکه خود به مثابه سدی در برابر آن و اهرم فشاری در جهت تثبیت باندهای قدرتمدار و انحصارطلب عمل می‌کردند.

آنچه موجب شده بود تا چنین وضعیتی در دانشگاهها حاکم شود و جنبش دانشجویی نتواند به وظیفه خطیر خود عمل نماید، چیزی نبود جز انحصار فعالیت‌های دانشجویی در قالب خشک و بی‌روحي که حاکمیت برای آن تعیین کرده بود. عملکرد غیراخلاقی و غیرقانونی نهادهای گزینشی و کمیته‌های انضباطی فضای رعب و وحشت را در دانشگاهها حاکم کرده بود و هر کس که می‌خواست خود را از دایره بسته آنان خارج سازد، یا از ورود به دانشگاه محروم می‌گشت و یا از دانشگاه اخراج می‌شد. در آن روزها جنبش دانشجویی بدترین لحظات را در تاریخ مبارزات دانشجویی پس از انقلاب تجربه می‌کرد.

متأسفانه در آن سالها انجمنهای اسلامی و جهادهای دانشگاهی نقش عمده‌ای در ویران‌سازی نقش و هویت راستین جنبش دانشجویی ایفا می‌کردند. در مهرماه ۱۳۶۷ دانشجویان نهضت آزادی ایران طی اطلاعیه‌ای خطاب به انجمنهای اسلامی و جهادهای دانشگاهی چنین هشدار دادند:

”شما از سالهای قبل صحنه دانشگاه را یگانه قلمرو فعالیت و مالکیت خود ساخته‌اید و از عوامل طرد و اخراج بسیاری از استادان و دانشجویان گردیدید. قسمت بزرگی از بار مسئولیت نابسامانیهای امروز که نتیجه مداخلات نادرست دیروز است، به عهده شماست. بنابراین توصیه می‌کنیم تجدیدنظرهای اصولی در بینش‌ها و روشهای خود به عمل آورده و در کردار مروج و مبلغ واقعی مفهوم مقدس آزادی و آزاداندیشی در میان دانشجویان باشید.“

خوشبختانه با رشد جنبش دانشجویی و آگاهی از ریشه مسائل و مشکلات و پس از جنبش نوین جامعه مدنی که نسیم آن به طور محسوس از دوم خرداد ۱۳۷۶ وزیدن گرفته است، حال و هوای دانشگاهها نیز رو به تغییر دارد. اکنون می‌توان امیدوار بود که دانشجویان نسبت به رسالت تاریخی خود به طور روزافزون آگاه‌تر شوند و در راه تحقق اصول و آرمانهای راستین انقلاب اسلامی و تثبیت آزادیهای مصرح در قانون اساسی و حاکمیت قانون- قانونی که ثمره آن حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش باشد- گامهای اساسی و استوار بردارند.

نهضت آزادی ایران در شرایط حساس و خطیری که امروزه با آغاز جمهوری سوم بر کشور حاکم گردیده، توصیه‌هایی را به دانشجویان عزیز و دانشگاهیان محترم می‌نماید:

۱- دانشجویان باید همواره بر این نکته واقف باشند که آرمان اصلی و اساسی خود را مبارزه در جهت تثبیت آزادیهای اساسی و حفظ حرمت و کرامت انسانی و عدالت قرار دهند.

این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که دانشجویان همواره نماینده گروههای مختلف جامعه بوده‌اند و مردم ایران قریب به یک سده برای این آرمان‌های والای ملی و دینی تلاش کرده‌اند. از این‌رو نقش اساسی جنبش دانشجویی حفظ استقلال خود به عنوان اصلی‌ترین نیرو در جهت تحقق خواسته‌های به حق ملت ایران است.

۲- جنبش دانشجویی ایران هنگامی به موفقیت نائل می‌شود که فراگیر باشد. در شرایط کنونی اگر گروههای مختلف دانشجویی در کنار یکدیگر نباشند، بزرگترین و بیشترین لطمه را به جامعه وارد خواهند ساخت.

دانشجویان باید بیشترین همت خود را در جهت ایجاد فضای آزاد در دانشگاهها و جامعه فراهم سازند. دانشجویان نباید فراموش کنند که نقش بسیار مؤثری در تحقق برنامه توسعه سیاسی رئیس جمهور محترم دارند. چنانچه برنامه توسعه سیاسی ایشان با شکست مواجه گردد- و می‌بینیم که باندهای مرتجع

ضدآزادی با تمام توان خود در این جهت تلاش می‌کنند. بی‌گمان وضعیت دانشگاهها به سالهای گذشته نزدیک می‌شود و بار دیگر تحقق خواسته‌های به حق ملت ایران را به تعویق می‌اندازد. پس برعهده دانشجویان است که به عنوان صادق‌ترین و وفادارترین حامیان برنامه توسعه سیاسی تلاش کنند.

۳- در این مقطع از تاریخ کشور عزیزمان به دانشجویان توصیه می‌کنیم که با درایت، هوشیاری و فرزانی رفتار کنند و همچنان که در جهت تحقق خواسته‌های اساسی ملت ایران گام برمی‌دارند، مراقب وسوسه خناسان باشند و به دام شیوه‌های ویرانگر آنان نگفتند. دانشجویان بیش از پیش باید مراقب بوده و از هر گونه رفتار خشونت‌آمیز بپرهیزند. دشمنان آزادی به دنبال بهانه‌جویی هستند و در ماههای اخیر نشان داده‌اند که از هر گونه امکان و شیوه‌ای برای منحرف کردن اهداف والای مردم ایران و به تبع آن جنبش دانشجویی استفاده می‌کنند.

۴- بار دیگر به دانشجویان و دانشگاهیان توصیه می‌کنیم که مصرانه در جهت استقلال مدیریت دانشگاهها، بالا بردن کیفیت آموزشی- تخصصی، ایجاد و افزایش امکانات تحقیق علمی، رفع تضییع حقوق دانشجویان و تأمین نیازهای صنفی آنها گامهای اساسی بردارند.

در همین جا لازم است که به کادر علمی دانشگاهها این نکته اساسی گوشزد شود که وظیفه خطیرشان را در هماهنگی با جنبش دانشجویی فراموش نکنند؛ چه در آن صورت استقلال خود را در برابر قدرتمداران از دست خواهند داد و قضاوت مردم ایران درباره آنان قطعاً مثبت نخواهد بود.

۵- سخن آخر درباره طرح مجدد بسیج دانشجویی در شرایط کنونی کشور است. دانشجویان به درستی این موضوع را درک کرده‌اند که باندهای انحصارطلب به دنبال فرصتی هستند تا با نقض استقلال جنبش دانشجویی، دانشگاهها را از مسیر مبارزه برای آزادی و حاکمیت ملت منحرف کنند و با ایجاد نهادهای وابسته به خود، اقدام به سرکوب جنبش اصیل دانشجویی نمایند. تجربه سالیان گذشته نشان داده است که چنانچه نهادهای دانشجویی تبدیل به ابزاری برای تداوم فشار و سرکوب در دانشگاهها شوند، نه در دل ملت جای دارند و نه در دانشگاهها مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرند. دانشجویانی که ممکن است با قصد و نیت خیر به بسیج دانشجویی ملحق شوند، حتماً باید این معیار اساسی را مد نظر داشته باشند که اگر بسیج دانشجویی مستقل نباشد و به هر طریقی قصد اخلال در اهداف جنبش دانشجویی را داشته باشد، قطعاً مورد توجه دانشجویان و مردم قرار نخواهد گرفت. این معیار می‌تواند محک بسیار مناسبی برای کلیه دانشجویان در فعالیتهای صنفی، اجتماعی و سیاسی‌شان باشد.

یاد و خاطره آن سه شهید پاک اهورایی که با نثار خون خود پیوند دانشگاه و نهضت ملی ایران را استوارتر ساختند، همواره گرامی‌باد.

نهضت آزادی ایران